

# نیمروز ایرانیان

سرمدیبر: پرویز اص

مقالات مندرج در این هفته نامه الزاماً نظر نشریه نیست ولی چاپ آنها نشانه آزاد اندیشی در برخورد با مسائل است. مطالب و نظرات خود را حتی المقدور کوتاه بنویسید. مقالات وارده مسترد نمیشود و نیمروز در حکم اصلاح و کوتاه کردن آنها آزاد است

PRICE:  
€ 2.50  
£ 1.50

به هیچ حزب و دسته و جمعیتی بستگی ندارد  
P.O.BOX:2248 LONDON W14 0EN  
E-mail:letters@nimrooz.com

Tel:(0044)020-8811 8877

Fax:(0044)020-8762 9235

آمار قربانیان انقلاب

## در حالی که مجموع کشته شدگان دوران شاه ۳۱۶۴ نفر بود کشته شدگان دوران انقلاب میلیون ها نفر شده است

در ۱۵ خرداد ۴۲، در حالی که همه کتب و تواریخ معاصر تعداد کشته شدگان را تا ۱۵ هزار تن برآورد کرده فقط ۳۲ نفر در سراسر تهران کشته شدند و در روز ۱۷ شهریور ۵۷ «جمعه سیاه» در میدان ژاله تنها ۶۴ تن کشته شدند که دو نفرشان زن و دختر بچه بودند! از زمان تبعید خمینی در ۱۳۴۳ تا راه پیمائی های ۵۶ جمعاً ۳۴۶ نفر در درگیری مسلحانه چریکی کشته یا اعدام یا خودکشی کرده اند.

در تمام دوره مبارزات چریکی جنبش مسلحانه اعم از مسلمان و مارکسیست، در جریان مبارزه، اعدام یا درگیری های مسلحانه کشته شدند یا خودکشی کردند. با توجه به اینکه در قیام پانزده خرداد سال ۴۲ نیز ۳۲ نفر کشته شدند.

روز ۱۶ خرداد ۴۲ یک تن در مقابل پانار و روز ۱۷ خرداد نیز یک تن در نقطه ای نامعلوم و در ۱۱ آبان ۴۲ فردی به نام محمد اسماعیل رضایی در زندان کشته شدند و در همان روز تاج محمدرضا طیب در پادگان حشمتیه تیرباران شد و غلامرضا تختی قهرمان کشتی ایران در ۱۶ فروردین ۱۳۴۶ به قتل رسید.

اگر رقم اینها را هم به تعداد ۳۴۶ نفر بیفزاییم می توان گفت که از آغاز جنبش انقلابی در سال ۴۲ تا مهرماه ۵۶ جمعاً ۳۸۳ تن در تظاهرات و مبارزات چریکی یا اعدام های این دوره ۱۴ ساله کشته شده اند و جمع آن با ۲۷۸۱ شهید دوره انقلاب در سال ۵۷-۵۶ می شود ۳۱۶۴ نفر.

در این آمار ما بخش عمده کشته شدگان متعلق به گروه های چپ غیرمسلمان را هم به شمار آورده ایم. بارف تقریبی این نقیصه در آمار بنیاد شهید، می توان گفت از آغاز جنبش در سال ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب جمع کل قربانیان اعم از آنان که در مبارزات چریکی کشته یا اعدام گردیدند و نیز آنان که در تظاهرات خیابانی کشته شدند بالغ بر ۳۱۶۴ نفر است.

نباید فراموش کرد که کمی و بیشی آمار قربانیان هیچ تغییری در این اصل به وجود نمی آورد که «کشتن یک بیگانه نیز برابر کشتن همه مردم است چنانکه اگر هرکه نفسی را حیات بخشد مانند آن است که همه مردم را حیات بخشیده است.»

۱۵ نقطه دیگر تهران نیز مجموعاً ۲۴ نفر در درگیری ها کشته شدند که یک نفر آنها زن بود. بنابراین تعداد کل شهدای ۱۷ شهریور سال ۵۷ در سراسر تهران ۸۸ نفر است که فقط ۶۴ تن متعلق به واقعه میدان ژاله هستند.

این آمار بنیاد شهید با آمار اعلام شده دولت وقت تاحدودی مطابقت دارد و همدیگر را تایید می کنند و از دقت آمار بنیاد شهید حکایت دارند. در بحث «اعلام حکومت نظامی و جمعه خونین» همین کتاب گفته شد که وزیر کشور وقت اعلام کرده است ۸۶ نفر کشته و ۲۰۵ نفر زخمی شده اند. اما هیچکس آمار کشته های ۱۷ شهریور را از زبان حکومت باور نکرد و شایعات وسیع در همان روزها حاکی از رقم بیش از سه هزار شهید بود و حتی برخی رقم بیش از چهارهزار و یازده هزار شهید را هم ذکر کرده و گفته اند فقط یکصد کودک کمتر از دوسال کشته شده اند.

میشل فوکو نیز که یک هفته پس از واقعه ۱۷ شهریور به منظور تهیه گزارشی درباره اوضاع ایران به این کشور سفر کرده بود از کشته شدن ۲ تا ۳ هزار نفر سخن گفته است. و در نوشته دیگری هم می گوید: «در ۱۷ شهریور چهارهزار نفر کشته شدند ولی از ترس در مردم خبری نبود».

پس از انقلاب نیز این قبیل شایعات به عنوان اخبار و گزارشات دوره انقلاب از موضعی تاییدآمیز در منابع مختلف تکرار شده است.

تعداد شهدای غیرمسلمان به دلیل ناچیز بودن آن در آمار جمعی مربوط به سال ۵۷-۵۶ بنیاد شهید، به شمار نیامده است. ناچیز بودن آن به دلیل این است که کشته شدگان مارکسیست، معمولاً در جریان مبارزات چریکی و مخفی جان باخته اند که ارزش ویژه ای در دوره خفقان داشته است ولی فراوانی رقم سایر قربانیان به سبب تظاهرات و راه پیمایی هاست.

یکی از نویسندگان، آمار روشن تری را درباره بخشی از دوره جنبش انقلابی که فعالیت ها زیرزمینی بوده اند ارائه می دهد و می نویسد: «در فاصله سال های میان حماسه سیاهکل «در بهمن ۱۳۴۹» تا مهرماه ۱۳۵۶ که راه پیمایی های خیابانی آغاز شد ۳۴۱ چریک و اعضای مسلح گروه های سیاسی جان خود را از دست دادند. از این شمار ۱۷۷ تن در درگیری ها کشته شدند. ۹۱ نفر «برخی بدون محاکمه و برخی دیگر هم پس از محاکمه پنهانی» در دادگاه های نظامی اعدام شدند. ۴۲

تعداد قربانیان انقلاب در سال ۴۲ تا ۵۷ بالغ بر ۳۱۶۴ تن می گردد. از این تعداد ۲۷۸۱ نفر شهدای انقلاب در سال ۵۷-۱۳۵۶ در تمام کشور است. البته این رقم فقط شامل آنهایی است که در بنیاد شهید پرونده دارند و با توجه به گستره جغرافیایی این بنیاد و نیز با گذشت بیش از دو دهه از انقلاب ممکن است فقط نام قربانیان بسیار معدودی ضبط نشده باشد و رقم ۲۷۸۱ تقریباً بیانگر تعداد کل شهداست.

از مجموع شهدای انقلاب در دوره پانزده ساله یعنی ۳۱۶۴ تن بیشترین آنها مربوط به تهران بزرگ (شامل شهر ری، تهران و شمیران) برابر با ۷۳۱ شهید است که حدود ۱۴ درصد کل کشور است. ولی عمده شهدای تهران بزرگ در تهران مرکزی و جنوب شهر که منطقه محروم است بوده اند. از این تعداد ۳۲ شهید متعلق به روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، ۱۹ نقطه مختلف تهران است که همگی مذکور بودند و عمده آنها در جنوب شهر واقع می شد. گرچه شایعات و روایات برخی کتب تا ۱۵ هزار شهید را در این روز مطرح کرده اند.

کتاب نهضت امام خمینی می نویسد: «در روز ۱۵ خرداد در قم صدها کشته و زخمی بر جای مانده» و درباره ۱۵ خرداد تهران آورده است: «گبار گلوله تانک ها و توپ ها از کشته ها پشته ساخته و در خیابان ها و کوچه های تهران جوی خون جاری شد» و در مورد صدها تن از دهقانان و ورامین که به سوی تهران می آمدند می گوید که این صدها «تن به خاک و خون کشیده شدند» و «قتل عام شدند» نه تنها در کتاب ها و نشریات داخلی، حتی در گزارش برخی فرستادگان نهادهای بین المللی حقوق بشر مانند خانم لافو ورون تعداد ۱۵۰۰۰ کشته در تظاهرات سرکوب شده سال ۴۲ مطرح گردیده است.

آیت الله خمینی در سخنرانی اول تیر ۱۳۵۰ در نجف درباره تلفات ۱۵ خرداد می گوید: به طوری که یکی از علمای قم به من گفت که در قم ۴۰۰ نفر را کشته اند و رویهم رفته گفته می شود که ۱۵ هزار مردم را قتل عام کرده اند. در عین حال این احتیاط را به کار برده و از تعبیر «گفته می شود» استفاده کرده است. ۶۴ تن از مجموع شهدا نیز متعلق به حادثه میدان ژاله تهران «میدان شهدا» در روز ۱۷ شهریور ۵۷ معروف به جمعه سیاه می باشند که از این تعداد دو نفر مونث «یک زن و یک دختر بچه» هستند. البته در همان روز ۱۷ شهریور در

مجاز نبود. تا اکنون که چاپ دوم کتاب عرضه می شود و ۲۴ سال از پیروزی انقلاب می گذرد هنوز آمار قربانیان انقلاب رسماً اعلام نشده است. دلیل اصلی عدم انتشار آمار جز این نبوده و نیست که چون امام خمینی در ابتدای پیروزی انقلاب اعلام کرد این انقلاب با بیش از شصت هزار شهید به ثمر نرسیده است و این رقم را چند بار در سخنان خویش تکرار کرده است بیان آمار واقعی قربانیان که بسیار کمتر بوده با آن در تعارض می افتد و مشکلاتی را در افکار عمومی می آفریند.

علاوه بر اظهارات رهبر انقلاب در بسیاری از اسناد رسمی کشور نیز مشابه همان رقم بیان شده است، برای مثال در نامه مصوب کمیسیون ویژه اولین دوره مجلس شورای اسلامی درباره گروگان های آمریکائی آمده است: «ملت ایران با انقلاب کبیر اسلامی خود به رهبری امام عظیم امت توانست نظام طاغوتی کهنسال شاهنشاهی را به قیمت قربانی کردن حدود هفتاد هزار شهید و بیش از یکصد هزار معلول و مجروح و خسارات مالی بسیار ریشه کن کند.»

اسدالله بیات یکی دیگر از نمایندگان مجلس اول نیز در سخنان دیگری می گوید: «ما ملتی هستیم که ۷۰ هزار شهید داده ایم و ۱۰۰ هزار معلول داریم از آمریکا».

بدین ترتیب امتیاز ضبط و شناسایی قربانیان، خود به مشکلی مبدل شد، در حالی که اعلام آمار قبلی بر اساس شایعات و پیش از عملیات پیمایشی بنیاد مربوطه بوده و بیان چنان ارقام غلوآمیزی در بحبوحه انقلابات امری طبیعی و معمول بوده و تصور سوغت دربار آن نمی رود. از این گذشته چنین آگاهی هائی پوشیده نخواهد ماند و دیر یا زود فاش خواهد شد.

این آمار برای محققان اهمیت بسیاری در تحلیل برخی از جنبه های انقلاب دارند ولی تاکنون در دسترس آنها قرار نگرفته اند. البته آگاهی های پراکنده ای در منابع مختلف درباره قربانیان انقلاب آمده است که در زیر به آنها پرداخته می شود. از جمله نگارنده در کتاب جنبش دانشجویی ایران، در تقویم وقایع هر سال نام کسانی را که در درگیری های مسلحانه کشته و یا اعدام شده اند ذکر کرده است. اما آمار جمعی و تقریبی کلیه شهدای دوره جنبش انقلابی از آغاز سال ۱۳۴۲ (۱۹۶۳ م) تا پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ م) برای نخستین بار در این کتاب منتشر می شود.

نسبت به اخبار و وقایع جاری برانگیزد و می آموزد که در تمام دوران انقلاب ایران، چه آن زمان که رژیم شاه بر سر کار بود و آخرین روزهای خود را می گذراند و چه تمام دوران آیت الله خمینی و امروز، همه آمار داده شده از سوی روحانیون حاکم این نمایندگان خدا بر روی زمین دروغ و دغلی بیش نبود و خداوند به این نمایندگان خود یاد نداد که با مردم راست بگویند.

معمولاً پس از انقلابات، آمار و ارقام اغراق آمیزی درباره کشته شدگان اعلام می شود. در زمان انتشار چاپ نخست این کتاب که کمی بیش از یک دهه از انقلاب گذشته بود آمار قربانیان، محرمانه و ممنوع الانششار بود. در سال ۷۶-۱۳۷۵ به مناسبت همکاری که با معاونت پژوهشی بنیاد شهید داشتیم و مسئولیت یک نشریه متعلق به این بنیاد را بر عهده گرفته بودم به جدول مفصلی از آمار قربانیان دست یافتیم که می خواستیم به مناسبت سالگرد انقلاب در نشریه بنیاد «یاد یاران» چاپ کنیم اما ارائه آن در نشریه هنوز

بررسی انقلاب ایران اولین بار در سال ۱۳۷۰ به چاپ رسید و چاپ دوم آن با ویرایش و افزودنی هائی عرضه شده است. یکی از بحث های تازه آن گفتاری است درباره آمار قربانیان انقلاب اسلامی که می تواند توجه و وسواس بیشتری را

عبدالالدین باقی  
\* به تازگی دو جلد کتاب با عنوان «بررسی انقلاب ایران» و «تولد یک انقلاب» از سوی عمادالدین باقی روانه بازار شده است. کتاب اول به مطالعه تاریخی پیرامون انقلاب اسلامی و کتاب دوم به مطالعه جامعه شناختی آن پرداخته است.

بررسی انقلاب ایران اولین بار در سال ۱۳۷۰ به چاپ رسید و چاپ دوم آن با ویرایش و افزودنی هائی عرضه شده است. یکی از بحث های تازه آن گفتاری است درباره آمار قربانیان انقلاب اسلامی که می تواند توجه و وسواس بیشتری را



عمادالدین باقی

عبدالالدین باقی  
\* به تازگی دو جلد کتاب با عنوان «بررسی انقلاب ایران» و «تولد یک انقلاب» از سوی عمادالدین باقی روانه بازار شده است. کتاب اول به مطالعه تاریخی پیرامون انقلاب اسلامی و کتاب دوم به مطالعه جامعه شناختی آن پرداخته است.

بررسی انقلاب ایران اولین بار در سال ۱۳۷۰ به چاپ رسید و چاپ دوم آن با ویرایش و افزودنی هائی عرضه شده است. یکی از بحث های تازه آن گفتاری است درباره آمار قربانیان انقلاب اسلامی که می تواند توجه و وسواس بیشتری را